

توپونیمیای [ریشه‌یابی اسامی جای‌ها] حصار در اثر «تاریخ همایون» گلشنی

د. حامد اف، ز. شکور اووا

تشکل و تحوّل بیشتر نام‌های جغرافی‌آسیای مرکزی یا ماوراءالنهر یا ورز رود تاریخی به انکشاف [توسعه] زبان‌های ایرانی، علی‌الخصوص به زبان فارسی تاجیکی، سخت مربوط است. زیرا زبان فارسی تاجیکی از قبیل زبان‌های قدیمه و پُرغناوت [غنی] این سرزمین بوده، بیش از هزار سال همچون زبان رسمی و کارگزاری، علمی و فرهنگی مورد استفاده قرار داشته است. این اندیشه‌ی ما را تحقیقات سال‌های اخیر نام‌شناسان ایران و تاجیکستان، ازبکستان و روسیه که دایر به [راجع به] تاریخ چندین نام‌های جغرافی‌آسیای مرکزی به انجام رسانیده‌اند و رساله و کتاب‌ها انتشار نموده‌اند، تصدیق می‌نمایند.

علم نام‌شناسی فارسی تاجیکی که معادل بین‌الخلقی‌اش اونو میستیکا (نام‌شناسی) می‌باشد، شکلاً و مضموناً زاده‌ی دوران اتّحاد شوروی (۱۹۲۰-۱۹۹۱) در زبان‌شناسی تاجیک می‌باشد. زیرا در گذشته نیز توجّه محققان و مورخان و تذکره‌نویسان را این پهلوی [جانب] مسأله به خود جلب کرده باشد هم ولی معنی کشایی مثل امروز در نگاشته‌های آنها حلّ و فصل نمی‌گردید. اساساً، معلومات آن‌ها در لغت و فرهنگ‌ها و آثار تاریخی و جغرافی با ذکر نام محل به انجام می‌رسید.

اونومیستیکا (نام‌شناسی) علمی است که صنعت نام و نام‌گذاری، تاریخ رشد و انکشاف [توسعه‌ی] آن را می‌آموزد. این کلمه یونانی بوده، معنایش علم در باره‌ی صنعت نام و نام‌گذاری و تاریخ پیدایش آن است. مفهوم نام و نام‌گذاری خیلی وسیع بوده، جزء

جدایی ناپذیر لکسیکای [لغات] زبان ادبی است. اونومیستیکا یا نام‌شناسی وابسته به فراگیری موضع و خصوصیات خود به دو گروه جدا می‌شود:

الف) آنتروپونیمیا

ب) توپونیمیا

آنتروپونیمیا جزء اونومیستیکا (نام‌شناسی) بوده، نام‌های اشخاص را و توپونیمیا نام‌های محل و موضع‌های اهالی‌نشین را تحقیق می‌نماید. در زبان‌شناسی تاجیک دایر به هر دو بخش اونومیستیکا (نام‌شناسی) کارهای زیاد تحقیقاتی به انجام رسیده‌اند که ما بهنگام پژوهش‌های خویش از بعضی آن‌ها بهره برداری خواهیم نمود.

باید گفت که تحلیل و تحقیق و معنی‌گشایی نام‌های جغرافی در عین حال با در نظر داشت جنبه‌های زبانی، سیاسی، فرهنگی، تاریخی و جغرافی به سامان رسانیده می‌شوند که خیلی جالب دقت است. از این جهت ما تصمیم گرفتیم که در این گزارش علمی دایر [راجع] به سرنوشت نام‌های جغرافی وادی حصار (حالا این وادی در موضع‌های جمهوری‌های تاجیکستان و ازبکستان) که یکی از موضع‌های قدیمه ی تاجیک‌نشین است، بر اساس معلومات اثر «تاریخ همایون» گلشنی ابراز نظر نماییم.

حصار سرزمین باستانی قسمت جنوب و غربی ولایت باختر باستان و حالا واقع در حدود شمالی و غربی جمهوری تاجیکستان و جنوبی جمهوری ازبکستان می‌باشد. این سرزمین را امروزه با نام وادی حصار یاد می‌نمایند و این وادی دارای چندین دیبهه و دیهکده‌های خوش منظر و شهر و شهرک‌های قدیمه ی آباد و زیبا می‌باشد که می‌توان چندی از آن‌ها را، چون دوشنبه، قرتاق، خانقاه، ریگر، توفلنگ، دشت نبات، ترمذ، بایسون، سیراب، دربند، پنجاب، زرکمر (آلتین سای)، شیرآباد، ده نو، سرآسیاب، ازون، شرغون، خوفور، دهنه، دره‌ی نهان، سینا، قورغانچه، بی بی شیرین، پس سُرخ، چکچک، سُرخاب و مانند این‌ها را در اینجا ذکر نمود که اکثر این نام‌های جغرافی دارای تاریخ قدیمه می‌باشند. علاوه بر این از حدود سرزمین ذکر گردیده چندین رود و رودک جاری است که کلانترین آن‌ها کافرنهان، خانقاه، سرخان دریا، توفلنگ و چند شاخاب‌های آنها می‌باشند. عموماً، سرزمین مذکور در وادی حصار واقع گردیده، همانند سایر مواضع میانه‌آب

دریای آمو می‌باشد و آغازگاه این وادی موضع‌های آب گرم و فیض‌آباد بوده، انتهای این وادی ترمذ ولایت سرخان‌دریای جمهوری ازبکستان می‌باشد.

«تاریخ همایون» اثری است که با نثر نوشته شده است و بعضاً ابیات جداگانه هم آورده می‌شود. زبان اثر زبان تاجیکی معمول در همان دور، یعنی زبان محیط علمی ماوراءالنهر قرن نوزده و ابتدای قرن بیست است. چون مؤلف از کلمات و عبارات عربی زیاد استفاده کرده است، هنگام خواندن آن برای خواننده‌ی عادی امروز بعضی دشواری‌های زبانی پیش می‌آید. در مقدمه مؤلف بعد از سپاس و ستایش آفریدگار و نیایش و درود بر حبیب او محمد (ص) سبب نوشتن کتاب را بیان کرده می‌نویسد که کتاب را «بر هشت مقاله به عدد ایالت بخارای شریف ترتیب نمودم». هرچند گلشنی اثرش را عبارت از هشت مقاله می‌گوید، در اصل نه مقاله است. در هر یکی از نه مقاله‌ی کتاب یکی از ولایت‌های بخارای شریف تصویر گردیده است. در صحیفه‌ی آخرین «تاریخ همایون» نام‌ها و شماره‌ی ساکنان همه‌ی آن ولایت‌ها آورده شده‌اند.

باید گفت که «مقاله‌ی ششم ایالت حصار» عنوان داشته، در این مقالات راجع به ولایت و نواحی گرد و اطراف وادی حصار (دوشنبه، قرتاق، سر جوی، ریگر، ده نو، یورچی، قبادیان، شیرآباد، قورغان تپه، ایواج، ترمذ) معلومات جالب می‌دهد. از جمله، راجع به وادی حصار چنین می‌نگارد: «این ایالت را (حصار شومان) ایالت کوهستان و ایالت حصارات می‌نامند و مرکز حکومت این ایالت را باش حصار می‌نامند. و در کتب تواریخ سلف، حصار شادمان را چغانیان می‌خوانند. شمس الدین بیک سامی در کتاب «قاموس الاعلام» خود از جغرافیون عرب و از کتاب «مُعْجَمُ الْبُلْدَان» یاقوت حموی نقل می‌نماید که در سالف الزمان چغانیان به کثرت میاه جاری معروف و به کثرت انهار مشهور و دارای دوصد هزار قریه است، لیکن الحال احوال حاضرهای آن به سیاحت نامه‌ها و به کتاب‌های جدید التالیف معلوم نیست که چگونه است... حصار شهری است قدیم و ایالتی است عظیم (ص. ۱۲۱).

حالا چندی از نام‌های جغرافی این وادی را مورد تحلیل و بررسی قرار می‌دهیم. راقم سواد در تاریخ سنه‌ی ۱۳۲۵ هجری نبوی (مطابق ۱۹۰۸ م.) به ولایت قبادیان رفته بودم از راه شیرآباد و ترمذ، آخرالامر آمدم به بالای کوه تابه کوتل دیدم... (۱۳۹).

ترمد یا ترمذ نام شهر و مرکز حدود مأموری [حکومتی، اداری] ولایت سرخان

دریای امروزی جمهوری ازبکستان می‌باشد و این نام جغرافی تاریخاً واژه‌ای مرکب بوده، در عین حال به قطار کلمه‌های ریخته‌ی ساده شامل می‌شود. معنای لغوی این توپونیم گذرگاه آبی بوده است، یعنی توسط بندرگاه ترمذ راهگذر آبی موجود است. این توپونیم متعلق به زبان های ایرانی می‌باشد.

از دریایی [رودخانه‌ای] که از تحت شهر مذکور جریان دارد که منبع آن از قریه‌ی خانقاه است، به دریای سرخان می‌ریزد، از تحت قلعه‌ی حصار می‌گذرد، آن را آب حصار و آب خانقاه و آب چنگ آب نیز می‌نامند (۱۲۲).

خانقاه، سرخان، چنگ آب و قلعه‌ی حصار هم‌چون توپونیم نام دریا، ده و دژ بوده، متعلق به زبان‌های ایرانی و از نگاه ساخت، ساده (حصار)، ساخته (سرخان، خانقاه) و مرکب (چنگ آب) می‌باشند. در اثر، این نام های جغرافی چندین مرتبه کاربست گردیده‌اند [به‌کار رفته‌اند] که این دلیل دارای تاریخ قدیمه بودن را نشان می‌دهند.

و قریه‌ی سیرآب مقدار سه هزار خانوار مردمان تاجیک متوطنند... (ص. ۱۱۰).

توپونیمیای سیراب نام یکی از دیهه‌های قدیمه‌ی موضع بایسون وادی حصار می‌باشد و از نگاه ساخت، مرکب بوده، از دو جزء سیر و آب ترکیب یافته، متعلق به زبان فارسی تاجیکی است. معنای لغوی این توپونیم موضعی است که در آنجا آب سیر دارد. قریه‌ی دربند که یکی از قُرای بایسون است، سر راه هرات مثل یک منزل است (ص. ۱۱۱).

نام جغرافی دیگر این سرزمین دربند است که نام دیهه بوده، از نگاه ساخت، مرکب بوده، از جزء‌های در و بند ترکیب یافته‌است و معنای لغوی اش موضع تنگنای بسته است و متعلق به زبان فارسی تاجیکی است.

پنجاب نام دیهه‌ی دیگر ناحیه بایسون سرزمین چغان رود تاریخی و وادی حصار است که از نگاه ساخت، مرکب بوده، از جزء‌های پنج - عدد - و آب - دریا - ترکیب یافته، منسوب به زبان فارسی تاجیکی می‌باشد.

زرکمر یکی از موضع‌های آباد و زیبای وادی سُرخان دریا می‌باشد و در عین حال شکل ترکی- ازبکی آلتین سای را صاحب گردیده است. آلتین سای شکل ترجمه‌شده‌ی واژه‌ی زرکمر تاجیکی می‌باشد. توپونیم زرکمر از نگاه ساخت، مرکب بوده، از دو جزء زر و کمر ترکیب یافته و معنایش وادی زرین است.

توپونیم دیگر این سرزمین شیرآباد می‌باشد که واژه‌ی شیرآباد از نگاه ساخت،

مرکب بوده، متعلق به زبان فارسی تاجیکی است. این واژه هم‌چون توپونیم نام موضعی است که در قلمرو امروزی ولایت سرخان دریای جمهوری ازبکستان واقع است. هم‌نچنین در قلمرو آسیای مرکزی مواضع متعددی موجود است که با نام شیرآباد یاد می‌شود. چنانچه، در ناحیه‌ی کتاب و ولایت خوارزم، شیرآباد نام دیهه‌ای موجود است که طبق معلومات ساکنانشان این موضع به شیر نام شخص، که برای آبادی این دیهه‌ها سهم گرفته، گذاشته شده‌است. ولی شیرآبادی که مورد بررسی ما قرار دارد، به نظر ما، با این روایت عمومیت و ارتباطی ندارد. چون که این موضع از نگاه حدود مأموری خیلی وسیع بوده، یکی از مواضع‌های قدیمه‌ی تاجیک‌نشین می‌باشد. در عین حال ناحیه و شهر نام شیرآباد را داشته، بیش از ۱۵۰ هزار نفر اهالی را فرا می‌گیرد. توپونیمی‌ای شیرآباد واژه‌ی مرکب بوده، از دو جزء شیر و آباد ترکیب یافته است. شیر جزء اساسی و آباد انجامه‌ی [پایانی] توپونیم‌ساز می‌باشد. جزء شیر هم‌چون واژه‌ی تاریخی تحوّل جدی را از سر گذرانیده است. این واژه اصلاً از کلمه‌های قدیمه‌ی ایرانی xsa (او) و شکل دیگر آن xsayaviya بوده، معنای شهر، کشور و شاه را داراست. در کلمه‌ی شیر از دیفتونگ آ ای فونم ی باقی مانده است و از هم‌صدای دومخرجه‌ی XS-ش پیدا شده، شکل‌های شیر و شهر از همین کلمه است. شهر در ابتدا به معنای وسیع کاربست یافته، معادل کشور، مملکت است. این کلمه هم‌چون انجامه و همچون جزء اساسی در ترکیب کلمه‌های اردشیر، گرشاسپشیر، بهرامشیر، شیرآباد، شیرخان، پنجشیر و امثال این‌ها کاربست یافته، به معنای جای استقامت، جای زیست حاکم، مقام بود و باش می‌آید. از جمع‌بست این نگاشته‌ها این خلاصه [نتیجه] به دست می‌آید که واژه‌ی شیرآباد کلمه‌ی خیلی کهن زبان تاجیکی بوده، تاریخاً مرکب می‌باشد و به معنای جای زیست آباد و شکوفان مردم آریایی دلالت می‌کند. خود محیط جغرافیایی نیز با زبان حال به معنی شهر آباد، مکان شکوفان آریایی و قابل کشت بودن این موضع را به اثبات می‌رساند. زیرا موضع شیرآباد در میان انبوه چندین نواحی، از قبیل جرقورغان و قم قورغان واقع بوده، نسبت به مواضع دیگر در اینجا کشت و کار و آبادی زودتر آغاز گردیده که در عین حال نیز شکوفان‌تر و آبادتر است و مکان دال و درخت گوناگون می‌باشد.

توپونیم‌های دیگر این سرزمین یا وادی، چون ده نو، سر آسیاب، هوفر، دهنه، دره‌ی نهران، شرغون، پس سرخی، ریگر و مانند این‌ها نیز منسوب به زبان‌های ایرانی، از جمله فارسی تاجیکی بوده، از نگاه ساخت، مرکب و ترکیبی اند.

نام های جغرافی فارسی تاجیکی مندرج در اثر یاد شده که مورد تحقیق قرار گرفت چون مشتی است از خروار که در تشکل نام های جغرافی تاجیکستان و مناطق بیرون از آن نقش مهی ایفاء نموده اند.

به همین طریق، از این نگاشته ی فشرده معلوم می گردد که در اثر گرانمایه ی «تاریخ همایون» تألیف محمد صادق خواجه ی گلشنی راجع به موضع حصار شومان و ناحیه های تابع آن معلومات دقیق و مفید آورده شده است که این معلومات ارایه شده توسط مؤلف از چند جهت جالب و سودمند است.

اولاً، معلومات او راجع به نام های تاریخی موضع ها و حدود گسترش آن ها برای خریطه سازان [نقشه برداران] و نام شناسان به مثابه ی سرچشمه ی با اعتماد و مورد وثوق خدمت خواهد کرد و از این معلومات برای معین کردن حدود تاریخی و نام های جغرافی استفاده خواهند نمود.

ثانیاً، راجع به زیست و زندگی، وضع اجتماعی، سطح سواد و معرفت مردم این موضع و موجودیت تعداد زیاد مدرسه و مساجد و زیارتگاه های تاریخی برای مردم شناسان یک منبع با اعتماد خواهد بود و آنان از نگاشته های مؤلف این اثر به عنوان منبع با اعتماد بهره خواهند جست.

عموماً، اثر «تاریخ همایون» گلشنی از قبیل اثرهای جغرافی و تاریخی مفید آخر قرن ۱۹ و ابتدای عصر ۲۰ خلق تاجیک بوده، سرشار از مواد ضروری تاریخی، فرهنگی، سیاسی، مردم شناسی، اقتصادی، جغرافی می باشد که محققان این عرصه و ساحه را ضرور است که دایر به ساحه ی خود کار تحقیقاتی را در اساس مواد این اثر با ارزش به انجام رسانند. ما ضمن این نگارش علمی تنها نام چند محل را مورد آموزش و بررسی قرار دادیم.

لازم به تذکر است که تدریس نام های جغرافی در مکاتب تحصیلات عمومی و دانشکده و دانشگاه ها از مسایل مبرم به شمار می رود. بنا بر این حالا ضرورتی پیش آمده است که نام های جغرافی مربوط به منطقه و سرزمین های تاریخی به دانشجویان در شکل فن نام شناسی، نام های جغرافی و ویژگی های آن ها، اونومیستیکا [نام شناسی]، توپونیمیا تدریس گردد، زیرا برای افزون گردانیدن جهان بینی دانشجویان و به طور عمیق آموختن تاریخ زبان تاجیکی و سرزمین تاجیکان مساعدت خواهد نمود. در عین حال می سزد که در دانشگاه ملی تاجیکستان و دیگر دانشگاه های کشور نیز فن اونومیستیکا (نام شناسی)،

توپونیمیا در برنامه‌ی تعلیمی وارد و به دانشجویان تدریس گردد. عموماً، آموزش نام‌های جغرافی و تدریس آن به دانشجویان از آن جهت جالب است که با این وسیله معین کردن و شناختن تأثیر زبان‌های ایرانی در گسترش و تشکل نام‌های جغرافی بیرون از قلمروی تاجیکستان معاصر باز هم بیشتر روشن می‌گردد. هم‌چنین ایامی فرا رسیده است که این جهت مسأله، یعنی بطور دقیق آموختن نام‌های جغرافی بیرون از تاجیکستان معاصر یا به عبارت دیگر نام‌های جغرافی تاجیکستان تاریخی بر دوش نامشناسان تاجیک مسئولیت و وظیفه‌های گرانی را بار می‌کند. امید است که این مسأله نیز به تدریج حلّ خود را پیدا نموده و شناسنامه‌های همه‌ی موضع‌های تاجیک نشین آسیای مرکزی به‌طور باید و شاید معین خواهد گردید. زیرا مشخص کردن شناسنامه‌ی واقعی نام این یا آن موضع به معنای برقراری عدالت اجتماعی و تاریخی است.

بی نوشت

1. Айнӣ С. Куллиёт. ч.11. -Душанбе, Ирфон, 1976.-с.11-120.
2. Алимӣ Қ. Ташаккул ва таҳаввули микротопонимияи минтақаи Кӯлоб. -Душанбе, 1995.-с.82-110.
3. Девонакулов А. Асрори номҳои кишвар. -Душанбе, Ирфон, 1989.-с.48-112.
4. Исмоилов Ш.Таҳлили лингвистии топонимҳо. - Душанбе, 1994.-с.28.
5. Лившиц В.А. Согдийские слова в таджикском языке. - Душанбе, 1967.-с.68.
6. Олимҷони Муҳаммадҷон. Баррасиҳо дар номашиносии тоҷик. -Душанбе, 2004.-с.19.
7. Офардиев Н. Ойконимияи вилояти мухтори кӯҳистони Бадахшон. -Душанбе, 2001.-с.125.
8. Тоҷиев Д.Т. Осори мунтахаб. -Душанбе, 2006.-с.132.
9. Тӯраев Б. Забон-рукни тоат. -Душанбе, 2004.-с.36.
10. Фарҳанги забони тоҷикӣ.-М., СЭ, 1969.-ҷ.1.-908с.
11. Фарҳанги забони тоҷикӣ.-М., СЭ, 1969.-ҷ.2.-910с.
12. Хромов А.Л. Очерки по топонимике и микротопонимике Таджикистана.-Душанбе, 1978.-с.39.
13. Ҳомидов Д. Топонимияи водии Кешрӯд. -Душанбе, 2002.-104с.